

پژوهشی در آئین‌های تدفین دوره ساسانی در سواحل خلیج فارس

حسین توفیقیان*

استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی و میراث فرهنگی

محرم باستانی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۷ تا ۳۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۷/۲۷؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۰/۱۹

چکیده

اغلب محققین بر این باورند که در دوره ساسانی، جسد مردگان در هوای آزاد رها می‌شد تا حیوانات و پرندگان آن را تجزیه کنند. پس از متلاشی شدن جسد، استخوان‌های باقی‌مانده را در فرورفتگی‌ها و طاقچه‌های ایجاد شده در صخره‌ها قرار می‌دانند. این فضاها برای ایجاد شده در سنگ سخت کوه را استودان (استخوان‌دان) می‌نامند. شمار زیادی از این استودان‌ها در کوه‌های فارس مانند نقش رجب در دامنه کوه رحمت در حوالی زنگی‌آباد، در کوه رحمت حوالی استخر، روی سکویی در دامنه کوه گونداشلو، روی قطعه‌سنگی جداافتاده در نزدیکی نقش رستم، در سطح بریده سنگی بزرگ در تنگ حشک نزدیک سیوند، در اقلید نزدیک آباد و در بالای دژی مشرف به بیشاپور شناسایی شده است. این استودان‌ها به دو صورت قبور دائمی و قبور موقت (دخمک‌ها) در بدنه سنگی کوه‌ها و یا لایه‌های کنگلومرا ایجاد شده‌اند. در این پژوهش ضمن مطالعه نمونه‌های یادشده، تعدادی از استودان‌های شناسایی شده در سواحل خلیج فارس که قابل‌مقایسه با نمونه‌های فارس می‌باشد، معرفی شده و کاربری واقعی آنها مورد بحث قرار می‌گیرد. این استودان‌ها در سیراف، گورستان شغاب، بندر ریگ (گناوه)، گورستان تیس در چابهار و گورستان حصیرآباد در شهر اهواز واقع شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: قبور دستکند، ریگ، سیراف، تیس، شغاب

* رابانامه نویسنده مسئول مقاله: htofighian@yahoo.com

۱- مقدمه

بر اساس آمیزه‌های دین زرتشتی، الگوهای متفاوتی در آئین تدفین ایجاد و گسترش یافته است که همگی پیوند روشن و مستقیمی با آئین‌های زرتشت دارد. این الگوها شامل گوردخمه‌ها، استودان‌ها، گورهای چاله سنگی یا قبور دائمی، دخمک‌ها، تدفین‌های صخره‌ای، تدفین‌های خمره‌ای و تابوتی و برج‌های خاموشان است. در دوره ساسانی جسد مردگان را برای تجزیه و متلاشی‌شدن به حیوانات و پرندگان وحشی وامی‌گذاشتند. سپس فقط استخوان‌های باقی‌مانده را در طاقچه‌ها یا فرورفتگی‌هایی که در صخره‌ها ایجاد شده بود و استودان خوانده می‌شد قرار می‌دادند. شمار زیادی استودان در اطراف تخت جمشید، نزدیکی استخر، شیب یا دامنه کوه رحمت و شماری نیز در حوالی نقش‌رستم در صخره‌های کوه حسین کشف شده است (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۰). پیش از آنکه استخوان‌ها در استودان قرار بگیرند جسد را در محلی روباز قرار می‌دادند تا روح از آن خارج شود. این فضاهای روباز را برج‌های خاموشان می‌نامند (همان: ۲۹).

لوئی واندنبرگ بناهای مختص تدفین را به دو بخش شامل گودال یا محل استخوان و طاقچه‌ها یا استودان تقسیم می‌کند. وی اصطلاح گودال یا محل استخوان را چاله یا گودال تجزیه و تلاشی جسد معرفی می‌نماید (Vanden Berghe, 1959: 45). لئو ترومپلمن معتقد است چیزی که واندنبرگ «گودال استخوان» توصیف می‌کند حفره‌های مستطیل‌شکلی هستند که در صخره‌ها تراشیده شده‌اند و ۱/۵ تا ۲ متر طول، ۰/۵ متر عرض و ۰/۵ متر عمق دارند؛ به طوری که بدن انسان در داخل آنها قرار می‌گرفت و تنها دست‌وپایش بیرون می‌ماند (- ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۲۹). این‌گونه حفره‌ها که معمولاً در نزدیکی گوردخمه‌ها واقع شده‌اند، اغلب در نواحی کوهستانی فارس و سواحل خلیج فارس شناسایی شده‌اند. تعدادی از این مناطق عبارت‌اند از: نقش رجب (Kleiss, 1976: 137)، در دامنه کوه رحمت در حوالی زنگی‌آباد (Vanden Berghe, 1953, Pl V,7)، در کوه رحمت حوالی استخر (Gropp, 1969:258)، روی سکویی در دامنه کوه گونداشلو (Stronach, 1966T Pl XXIV)، روی قطعه‌سنگی جدا افتاده در نزدیکی نقش رستم (Stronach, Ibid, Pl XXV, Fig 17)، در سطح بریده سنگی بزرگ در تنگ خشک نزدیک سیوند (Gropp, 1969:243)، در اقلید نزدیک آباده (Ibid, 238) و در بالای دژی مشرف به بیشاپور (Girshman, 1971, Pl VII,2) و تعدادی نیز در سواحل خلیج فارس شامل سیراف (Whitehouse, 1968: 23)، بندر ریگ از توابع شهرستان گناوه (توفیقیان، ۱۳۸۸: ۵۷)، روستای تیس در چابهار (دانشنامه تاریخ معماری ایران‌شهر)، در گورستان شغاب بوشهر (میرفتاح، ۱۳۷۱: ۶۱-۴۱؛ رهبر، بی‌تا؛ سرفراز، بی‌تا) و در منطقه حصیرآباد شهر اهواز (رجبی، ۱۳۹۲: ۲۸۸-۸۲؛ چایچی، ۱۳۹۲). روی تعدادی از حفره‌های منطقه فارس کتیبه‌هایی به خط پهلوی مشاهده شده است (Gropp, 1969: 285ff).

قبور سنگی ساسانی در واقع دارای عملکرد برج‌های خاموشان امروزی زردشتیان هستند که در فارس، کرمان و ری دیده می‌شوند. قدمت این برج‌های خاموشان مشخص نیست و ممکن است دارای سازه‌های قدیمی بوده که در طی قرن‌ها بازسازی شده باشند. البته شیوه‌های تدفین دیگری نیز در دوره ساسانی به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به قبور خمره‌ای، قبور ساده بر دامنه کوه‌ها و گاهی گورستان‌های وسیع اشاره کرد. بر روی این نوع قبور انباشتی از لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای دیده می‌شود (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۶-۳۳).

اما شایع‌ترین نوع قبور ساسانی شامل قبور کنده شده در بستر پشته‌های سنگی است که به دو صورت قبور با عمق زیاد و قبور با عمق کم دیده می‌شوند. قبور نوع نخست برای تدفین‌های دائم و نوع دوم به‌عنوان

استودان موقت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این مبحث به نمونه‌های شناسایی شده در سواحل خلیج فارس پرداخته شده و تفاوت و کارکرد هر یک مورد بحث قرار خواهد گرفت (تصویر ۱).

۲- قبور دست‌کند بندر ریگ (گناوه)

در بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بنادر خلیج فارس که در سال ۱۳۸۸ به سرپرستی نگارنده انجام گرفت در سواحل جنوبی بندر ریگ از توابع شهرستان گناوه، بقایای به‌شدت تخریب‌شده تعدادی از قبور کنده شده در سنگ شناسایی شد. این سواحل به‌صورت پشته سنگی به نام «تیر سول» با ارتفاع حدود سه متر از سواحل پست و هموار پیرامون، بستر مناسبی را برای ایجاد این گورستان تاریخی مهیا کرده است. آن‌چنان‌که امروزه نیز از این ارتفاع نسبی برای ایجاد ساختمان پلیس دریایی استفاده شده است. با توجه به جزر و مد دریا این نقطه به‌صورت جزیره‌ای کوچک درآمده و تنها راه ارتباطی آن از طریق یک راه شوسه است که با جهت شمالی جنوبی، این تپه سنگی را به بندر ریگ متصل می‌نماید. این محدوده، «گیشهر» نامیده می‌شود (تصویر شماره ۲). قبور شناسایی شده در بندر ریگ بر روی پشته‌ای از جنس ماسه‌سنگ کنده شده است. این تدفین‌های انگشت‌شمار با عرض حداکثر ۵۰ سانتیمتر، طول باقی‌مانده حداکثر ۲ متر و عمق ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر بدون ظرافت در ماسه‌سنگ بستر ایجاد شده است. در پیرامون این قبور و بر روی ماسه‌های ساحلی انباشت شده در مجاور این قبرستان، پراکندگی قطعات استخوان انسانی جلب توجه می‌نماید. این قبور دارای جهات مختلف شامل شرقی - غربی و شمالی - جنوبی هستند (توفیقیان، ۱۳۸۸: ۲۴).

با توجه به تخریب ایجاد شده در پشته سنگی به‌نظر می‌رسد تعداد این قبور در گذشته بیش از این بوده است. مقایسه تطبیقی این قبور با نمونه‌های موجود در سواحل خلیج فارس نشان می‌دهد این مجموعه شامل تعدادی قبور موقت یا دخمک ساسانی است که مانند نمونه‌های مشابه برای قراردادن موقت مردگان به‌عنوان استودان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تخریب شدید این محوطه مانع از مطالعه دقیق‌تر آن است و تنها می‌توان آن را با قبور موقت یا دخمک‌ها در گورستان شغاب بوشهر (میرفتاح، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، رهبر، ۱۳۷۷؛ سرفراز، ۱۳۸۴)، روستای تیس در چابهار، قبرستان سیراف در دره لیر (Whitehouse, 1968-1974)، قبرستان حصیرآباد اهواز (رجبی، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۲) و نمونه‌های موجود در ارتفاعات فارس مانند مرودشت و بیشاپور (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۷-۲۹) مقایسه نمود.

۳- قبور دست‌کند سیراف

در فاصله قرون دوم تا پنجم هـ.ق. (هشتم تا دوازدهم میلادی) بندر باستانی و تاریخی سیراف (طاهری امروزی) یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین بنادر ایرانی و اسلامی در سرتاسر حوزه خلیج فارس به‌شمار می‌رفت. دریانوردان و بازرگانان سیرافی نه‌تنها با کلیه بنادر آباد و پروونق خلیج فارس بلکه با هندوستان، چین و شرق آفریقا نیز در تجارت مستقیم و مستمر بودند. این بندر اسلامی از دوره ساسانی مسکونی بوده و بقایای یک قلعه ساسانی نیز در محل مسجد جامع سیراف توسط وایت هاووس کاوش شده است (Whitehouse, 1968: 1-23).

سیراف سرانجام در زلزله هولناکی که در نیمه دوم قرن چهارم هجری رخ داد به‌کلی ویران شد. بندر تاریخی سیراف دربرگیرنده آثار متنوع و گوناگونی از ساحل دریا تا کوهستان سنگی شمال آن است. مهم‌ترین

آثار کاوش شده توسط وایت هاووس شامل مسجد جامع، خانه‌های اعیانی، بازار، حمام، کارگاه سفالگری، حصار دور شهر و از مهم‌تر گورستان و گوردخمه‌های مشرف به شهر است که در دره لیر تا دره شیلو پراکنده شده‌اند (Whitehouse, 1968-1974).

قبرستان لیر- شیلو: دره‌های لیر و شیلو در ارتفاعات شمالی سیراف قرار گرفته و دربرگیرنده لایه‌های ضخیم کنگلومرا و ماسه‌سنگ است که شرایط مناسبی را برای ایجاد یکی از بزرگ‌ترین گورستان‌ها و گوردخمه‌های ساسانی - صدر اسلام فراهم آورده است. این ارتفاعات سنگی به وسیله دو دره عمیق که حاصل فعالیت گسل‌های منطقه می‌باشد به سطوح مختلف با شیب ملایم به طرف دریا تقسیم شده است. درون این دره‌های V شکل و پرتگاهی، دیواره‌های بزرگ برای حفر صدها گوردخمه ساسانی مهیا شده و دامنه‌های متشکل از لایه کنگلومرا و ماسه‌سنگ نیز سطحی مناسب برای ایجاد قبور موقت (دخمک) و استودان‌های ساسانی و سپس قبور اسلامی فراهم نموده است (تصویر شماره ۳).

گوردخمه‌های مورد اشاره دارای اشکال مختلف و ابعاد متفاوتی بوده که این خود نشان‌دهنده طبقات اجتماعی دوره ساسانی است. می‌توان چنین تصور نمود که گوردخمه‌های دارای قاب‌های ورودی هندسی و فضای منظم و چهارگوش که در لایه‌های ماسه‌سنگ کنده شده‌اند متعلق به افراد متمکن بوده (تصویر شماره ۴) و گوردخمه‌های فاقد شکل هندسی که تنها به صورت حفره‌های بزرگ یا متوسط در لایه‌های نرم و شکننده کنگلومرا کنده شده‌اند متعلق به افراد طبقه پائین جامعه آن روز بوده است (تصویر شماره ۵). درون اکثر این گوردخمه‌ها بقایای استخوان انسانی دیده می‌شود که عمدتاً مورد تخریب و دستبرد قرار گرفته‌اند.

ارتفاعات شمالی سیراف از لایه‌های کنگلومرا در بالا و ماسه‌سنگ در پائین تشکیل شده‌اند که البته در زیر لایه دوم مجدداً لایه دیگری از جنس کنگلومرا دیده می‌شود. در دوره ساسانی با برداشت لایه کنگلومرا و سپس بخشی از لایه ماسه‌سنگ، یک سطح صاف از جنس ماسه‌سنگ ایجاد نموده‌اند که بستر مناسبی برای ایجاد استودان‌های قبری شکل مهیا نموده است. برش ایجاد شده در لایه‌های کنگلومرا در بالا و لایه ماسه‌سنگ در پائین به ارتفاع تقریبی هشت متر در حاشیه غربی گورستان سیراف قابل مشاهده است. در برخی موارد از این دیواره ایجاد شده در حاشیه گورستان برای حفر گوردخمه‌های ساسانی استفاده شده است.

سطح صاف ایجاد شده که دارای شیب نسبتاً ملایمی به سوی دریا و بندر سیراف است، زمینه مناسبی برای ایجاد تعداد بی‌شماری از گورهای چاله‌سنگی ساسانی است که به وسیله تدفین‌های دوره اسلامی ادامه می‌یابد. (تصویر ۶) در این بستر سنگی تعداد چهار ستون سنگی بزرگ با ابعاد حدود دو و نیم متر طول، دو متر عرض و حدود سه تا چهار متر ارتفاع در دو طرف دره لیر و در میان قبور سنگی گورستان برجای مانده است که احتمالاً به عنوان «برج خاموشان» مورد استفاده قرار گرفته است. این ستون‌ها با بستر سنگی یکپارچه بوده و از تراش لایه ماسه‌سنگ بستر ایجاد شده است (تصویر ۷). رأس یا بالای این ستون‌های سنگی حجیم، دارای فضای مناسب برای قراردادن مردگان بوده تا اجساد در معرض هوای آزاد و پرنندگان قرار گیرند و سپس استخوان‌هایشان به گوردخمه‌های پیرامون انتقال یابد.

در بستر سنگی کوه‌های سیراف علاوه بر گوردخمه‌ها و ستون‌های سنگی حجیم (برج خاموشان)، هزاران قبر کنده شده در ماسه‌سنگ به چشم می‌خورد که عملکرد آنها محل بحث فراوانی است. این قبور سنگی دارای ۲/۱۰ متر طول، ۵۰ سانتیمتر عرض و ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر عمق هستند و به صورت دو گورستان بزرگ در شرق

و غرب دره لیرو دیده می‌شوند. برخی از محققین معتقدند که این قبور به‌عنوان چاله‌های جمع‌آوری آب باران به‌کار رفته و سپس تعداد محدودی از آنها برای تدفین مورد استفاده قرار گرفته‌اند (جعفری، ۱۳۹۳: ۸۰-۵۱).

اما نگارنده بر این باور است که این قبور در دو زمان متفاوت در ماسه‌سنگ کنده شده‌اند: نخست، به عمق مناسب در دوره ساسانی، به‌عنوان استودان یا قبور موقت مردگان (دخمک) ایجاد شده‌اند. استخوان اموات بعد از جدا شدن گوشت از استخوان‌ها، به گوردخمه‌های مجاور گورستان انتقال می‌یافتند. این‌گونه قبور موقت که عملکرد استودان داشته‌اند در قبرستان تیس در چابهار، گورستان شغاب بوشهر، سواحل بندر ریگ و در گورستان حصیرآباد اهواز که همگی متعلق به دوره ساسانی است شناسایی شده‌اند. دومین مرحله از حفر این قبور در سده‌های نخستین بعد از اسلام و به‌وسیله تازه‌مسلمانان ساکن سیراف، برای دفن مردگان با سنت‌های اسلامی ایجاد شده است. بدین‌منظور قبور موقت ساسانی (دخمک‌ها) اندکی گودتر شده و سپس به‌وسیله تخته‌سنگ و یا ملاط ساروج سقف آنها پوشانده شده است. در قسمت میانی هر قبر یک شکاف افقی در بدنه سنگی قبور تراشیده‌اند تا سقف قبور بر روی اجساد فرو نریزد (تصویر ۸). در برخی موارد بخش تحتانی قبر دقیقاً به اندازه یک جسد و به‌ویژه سر جسد کنده شده است (تصویر ۹). بنابراین این قبور با دو عملکرد متفاوت و در دو دوره زمانی متفاوت در بستر ماسه‌سنگی ایجاد شده‌اند. برای سهولت دسترسی به قبور در حاشیه قبرستان چندین ردیف پلکان در بستر سنگی ایجاد شده است (تصویر ۱۰). برای ایجاد قبور خانوادگی سطح سنگی گورستان را به‌صورت مطبق و فضاهای جدا از هم درآورده و هر طبقه را به‌وسیله دیوارهای سنگی به‌جای‌مانده از تراش بستر سنگی، از یکدیگر مجزا کرده‌اند. حتی در یک مورد درون یکی از ستون‌های سنگی (برج خاموشان) دوره ساسانی را خالی نموده و با ایجاد یک اتاقک درون ستون، دو تدفین درون آن ایجاد نموده‌اند. این تدفین‌ها که به‌وسیله ملاط ساروج مسقف شده‌اند احتمالاً متعلق به افراد توانمند بوده است (تصویر ۱۱).

با توجه به گسترش گورستان دوره اسلامی در ارتفاعات پیرامون که از لایه‌های سست و ناپایدار کنگلومرا تشکیل شده است، چنین به‌نظر می‌رسد که قبور کنده شده در ماسه‌سنگ که از شکل و پایداری بهتری برخوردار است متعلق به افراد توانمند بوده و قبور ایجاد شده در لایه‌های کنگلومرا متعلق به طبقات پائین جامعه بوده است. قبور کنده شده در کنگلومرا در سرتاسر ارتفاعات شمالی سیراف به تعداد بسیار زیاد به چشم می‌خورد.

به‌احتمال قریب به‌یقین تنها قبور کنده شده در ماسه‌سنگ متعلق به دو دوره زمانی ساسانی - صدر اسلام بوده و سایر قبور کنده‌شده در لایه‌های سست کنگلومرا بر اثر گسترش بندر تاریخی سیراف در دوره اسلامی و افزایش جمعیت متعلق به تدفین‌های دوره اسلامی است.

گورستان جبهه غربی دره لیرو دارای جهت شمالی - جنوبی هستند و گورستان نیمه شرقی نیز دارای جهت شمالی - جنوبی است، اما در تعیین جهت قبور دقت چندانی به‌کار نرفته است. گورستان نیمه شرقی با جهت قبله همخوانی ندارد اما نیمه غربی دارای جهت قبله بوده و به سنت تدفین دوره اسلامی نزدیک‌تر است. البته به نظر می‌رسد در تعیین جهت قبور بیشتر از توپوگرافی سطح کوه تبعیت شده است تا جهات اصلی.

در میان گورستان شرقی - غربی دره لیرو حدود یکصد چاه عمیق در سنگ سخت ماسه‌سنگ کنده شده است که دارای اعماق متفاوتی از صد تا صد و سی متر می‌باشد. تمامی اجزای یک حلقه چاه شامل کوره چاه، پایه‌های چرخ چاه، محل نشستن میراب و دیوارهای محصورکننده و محافظ چاه از تراش سنگ بستر ایجاد

شده‌اند (تصاویر ۱۲ و ۱۳). این چاه‌ها با عمق زیاد به رگه سفره‌های آب زیرزمینی دسترسی پیدا کرده و آب جاری از لایه‌های زیرین ارتفاعات بالاتر را به سطح زمین انتقال می‌دهند. اغلب چاه‌ها دارای مقطع گرد بوده و دارای قطری حدود یک‌ونیم متر هستند و تعداد کمتری دارای مقطع مستطیل‌شکل با ابعاد حدود یک‌ونیم متر در پنجاه سانتیمتر هستند. شاید بتوان چاه‌های گرد را که برخی از آنها امروزه نیز دارای آب بوده و مورد استفاده اهالی بندر طاهری قرار می‌گیرند، متعلق به دوره اسلامی و نمونه‌های مستطیل‌شکل را متعلق به دوره ساسانی دانست. در گسترش گورستان در دوره اسلامی برخی از چاه‌های با مقطع مستطیل‌شکل از دوره ساسانی تخریب شده‌اند که این خود از دلایل تعلق این چاه‌ها به دوره نخست (ساسانی) است (تصویر ۱۴). هم‌جواری منابع آب، قبور و گوردخمه‌های ساسانی اتفاقی نبوده و ضمن تأکید بر جایگاه آب در آئین‌های زرتشت، نشان‌دهنده استفاده از آب در مراحل تدفین و تطهیر مردگان است. اگرچه سایر قبور موقت کنده‌شده در سنگ، در نزدیکی دریا یا منابع آب قرار گرفته‌اند، اما اثبات ارتباط آئین‌های تدفین زرتشتی با منابع آب نیازمند انجام تحقیقات بیشتر است.

مجموعه گورستان ساسانی - صدر اسلام بندر تاریخی سیراف در ۷ مهرماه ۱۳۸۱ به شماره ۶۵۰۲ به ثبت آثار ملی ایران رسیده است.

۳- قبرستان شغاب بوشهر

گورستان شغاب در جنوب غربی شبه‌جزیره بوشهر و در محل فعلی پارک دانشجو قرار گرفته است. این گورستان را در دهه‌های گذشته باستان‌شناسانی همچون علی‌اصغر میرفتاح، مهدی رهبر و علی‌اکبر سرفراز مورد بررسی و کاوش قرار داده‌اند. گورستان شغاب، دربرگیرنده یک گورستان ساسانی است که بر روی بستر ساحل سنگی ایجاد شده است. در این گورستان دو روش تدفین دیده می‌شود: نخست، تدفین خمره‌ای که در داخل خمره‌های نوک‌اژدری با اندود قیر در داخل، انجام شده است. این خمره‌های تدفین به‌عنوان تدفین ثانوی به‌کار رفته‌اند و استخوان مردگان بعد از جدا شدن گوشت، درون این خمره‌ها جای می‌گرفت (تصویر ۱۵). دومین نوع تدفین آن است که قبور مردگان را در سنگ سخت بستر کنده‌اند، سپس اجساد را داخل قبر گذاشته و روی آنها را با تخته‌سنگ‌های مناسب پوشانده‌اند (تصویر ۱۶). در جای دیگر گورستان شغاب یک‌سری حفره‌های قبری‌شکل در سنگ‌بستر حفر شده است که دارای ابعاد یک قبر می‌باشد، اما از عمق چندانی برخوردار نیستند. این دست‌کندها درواقع استودان‌ها و قبور موقت (دخمه‌های کوچک) هستند که اجساد درون آنها برای مدت کوتاهی قرار داده می‌شد و پس از جدا شدن گوشت از بدن، استخوان‌ها به خمره‌های تدفین و یا قبور کنده شده در سنگ‌بستر (تدفین نوع دوم) که پیش‌تر آمد منتقل می‌گردید (تصویر ۱۷). قبور یاد شده دارای جهت شمال شرقی - جنوب غربی هستند (میرفتاح، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷؛ رهبر، ۱۳۷۷؛ سرفراز، ۱۳۸۴). در گورستان شغاب نوع دیگری از تدفین شامل استودان‌های سنگی وجود دارد که به‌صورت تابوت ساخته شده‌اند.

قبور موقت کنده شده در بستر سنگی ساحل در شغاب قابل‌مقایسه با قبور سنگی سیراف، تیس، حصیرآباد اهواز و قبور سنگی ارتفاعات مرودشت و بیشاپور است که با توجه به مقایسه تطبیقی و مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از کاوش باستان‌شناختی مهدی رهبر، این محوطه متعلق به اواخر دوره اشکانی تا اوایل دوره ساسانی است (رهبر، ۱۳۷۷: ۳۴).

۴- قبور دست‌کند تیس - چابهار

این قبرستان شامل صدها گور کنده شده در بستر سنگی حاشیه جنوب غربی روستای تیس از توابع بندر چابهار است. این قبرستان با نام قبرستان شماره یک یا قبرستان اجنه بر روی پشته‌ای سنگی و مشرف به روستای تیس به نام پیل‌بند و در مجاورت قبرستان فعلی روستا واقع شده است. قبرستان تیس یا قبرستان جن‌ها در فرهنگ عامه اهالی جایگاه خاصی پیدا کرده و اعتقادات متفاوتی در مورد آن شکل گرفته است. مثلاً اهالی معتقدند که شب‌ها نباید از این قبرستان گذر کرد، چون هرکس این کار را کرده بعد از چند روز مرده است. آنها معتقدند شب‌ها اجنه بالای سر درگذشته‌هایشان می‌آیند و این نقطه را جای ترسناکی می‌دانند.

قبور کنده شده در پشته سنگی پیل‌بند دارای ابعاد متفاوتی برای بزرگسالان و افراد خردسال بوده و به‌طور کلی، دارای جهت شمالی - جنوبی هستند. عمق دقیق این قبور به دلیل انباشت خاک در آنها مشخص نیست، اما بعید به نظر می‌رسد بیش از پنجاه سانتیمتر باشد. تعدادی از قبور که در حاشیه تپه سنگی قرار گرفته‌اند، به دلیل تخریب‌های طبیعی بستر سنگی، نمایان شده‌اند و می‌توان عمق تقریبی قبور را با اندازه‌گیری گورهای این قسمت حدس زد (تصویر ۱۸).

بستر طبیعی گورستان از ماسه‌سنگ تشکیل شده است که دارای سختی و پایداری بسیار زیادی است. شکل و فرم قبور کاملاً هندسی و زاویه‌دار بوده و حفر آنها کار پرزحمتی بوده است. با توجه به وجود محوطه‌ای ساسانی - اسلامی در نزدیکی این گورستان می‌توان آنها را مرتبط با این استقرار دانست. نگارنده بر این باور است که این قبور کنده شده در سنگ سخت، استودان‌های موقت (دخمک) ساسانی - صدر اسلام هستند که اجساد در آنها قرار می‌گرفت و بعد از جدا شدن گوشت از بدن، استخوان‌ها به گوردخمه‌های احتمالی یا در برخی موارد به چاهی که بدین‌منظور حفر می‌شد ریخته می‌شده است. در نزدیکی این قبرستان یک آب‌انبار به چشم می‌خورد که می‌تواند ارتباطی منطقی و کاربردی با قبرستان و محوطه استقرار پیرامون آن داشته باشد (تصویر ۱۹).

۵- قبرستان حصیرآباد (اهواز)

گورستان حصیرآباد در محله «منبع آب» شهر اهواز و بر روی پشته‌ای صخره‌ای با راستای شمال شرقی - جنوب غربی به چشم می‌خورد. این گورستان دربرگیرنده دو نوع تدفین در بستر صخره‌ای و شواهدی از یک گوردخمه است. تدفین‌های بستر سنگی گورستان حصیرآباد دارای دو اندازه متفاوت هستند: نخست، گورهایی که به صورت چاله‌های مستطیل‌شکل با جهت شرقی - غربی و یا شمال غربی - جنوب شرقی در سنگ سخت ماسه‌سنگ کنده شده‌اند و عمق زیاد آنها باعث می‌شد تا پیکر مردگان به‌طور کامل در آنها جای گیرد (تصاویر ۲۰ و ۲۱)؛ نوع دوم دخمک‌ها هستند که مشابه نمونه نخست می‌باشند اما از عمق کمتری برخوردار هستند. بزرگ‌ترین قبر نوع اول ۲۶۰ سانتیمتر طول، ۹۵ سانتیمتر عرض و ۱۰۰ سانتیمتر عمق و کوچک‌ترین آنها ۱۸۰ سانتیمتر طول، ۵۰ سانتیمتر عرض و ۵۰ سانتیمتر عمق دارند (رجبی ۱۳۹۲: ۸۲-۸۸). بزرگ‌ترین نوع دوم یا دخمک‌ها ۲۵۰ سانتیمتر طول، ۵۰ سانتیمتر عرض و ۳۰ سانتیمتر عمق و کوچک‌ترین آنها ۵۰ سانتیمتر طول، ۲۰ سانتیمتر عرض و ۱۰ سانتیمتر عمق دارند. بیشتر این تدفین‌ها دارای نوارهای حاشیه‌ای به اندازه ۲ تا ۳۰ سانتیمتر هستند که پائین‌تر از لبه تراشیده شده و برای قراردادن پوشش تخته‌سنگ بوده است. بیشتر

قبور به دلیل سست بودن ماسه‌سنگ بستر به وسیله عوامل طبیعی و انسانی فرسایش یافته‌اند. در گوشه جنوب شرقی پشته سنگی پلکانی در سنگ بستر تراشیده شده که به شدت تخریب شده است و تنها تعدادی از پلکان‌های بخش فوقانی آن باقی مانده است. پله‌های این پلکان ۷۰ سانتیمتر پهنا و ۲۰ سانتیمتر بلندی دارند (تصویر ۲۲). زیر لبه این پشته سنگی و در فرورفتگی‌های طبیعی تعدادی گور و دخمک ایجاد شده که شاید بتوان این بخش را به‌عنوان استودان‌های نگهداری استخوان برای این مجموعه در نظر گرفت که استخوان‌های به‌دست‌آمده از قبور سطح پشته به اینجا منتقل می‌شده‌اند. در واقع در حصیرآباد قبور بزرگ با توجه به دارابودن پوشش تخته‌سنگ برای تدفین دائم به کار می‌رفته‌اند، اما قبور کم‌عمق یا دخمک‌ها به‌عنوان تدفین موقت و برای جدا شدن گوشت از استخوان اجساد به کار رفته و سپس استخوان‌ها به دخمک‌های زیر لبه پشته و شاید به تدفین‌های خمره‌ای که بالای قلمه‌ستون‌ها (بعدها خواهد آمد) نصب شده بود، انتقال می‌یافت.

تعدادی قلمه‌ستون پیرامون این تپه سنگی به چشم می‌خورد که دارای فرورفتگی کوچکی در وسط هستند. این قلمه‌ستون‌ها که ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر قطر دارند، می‌توانند بخشی از ستون‌هایی باشند که برای نگهداری خمره‌های تدفین که در رأس آنها قرار می‌گرفت، به کار رفته باشند. مانند آنچه در نزدیکی استخر کشف شده و برای قراردادن کوزه‌ها (حاوی تربت) ساخته شده‌اند (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۵-۳۳). نمونه دیگری از این خمره‌های تدفین در کوه حسین توسط ولگرام کلایس شناسایی شده است که شامل گودال‌های رأس یک صخره هستند که مانند فتیله‌ای گلی در اطراف پایه یک خمره، به‌عنوان محلی برای قرار گرفتن کوزه (حاوی تربت) کار گذاشته می‌شد.

در دوره ساسانی خمره‌های بزرگی برای ذخیره‌سازی وجود داشته است. نمونه‌ای از این نوع خمره‌ها که دارای کتیبه است در قلعه‌دختر فیروزآباد کشف شده است. چنین خمره‌ها یا کوزه‌هایی (حاوی تربت) به آسانی در حفره‌های گشاد و انواع کوچک‌تر در گودال‌های تنگ‌تر قرار می‌گرفتند. این خمره‌ها بر روی تخته‌سنگ یا ستون‌های افراشته قرار می‌گرفتند (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۵).

۶- نتیجه

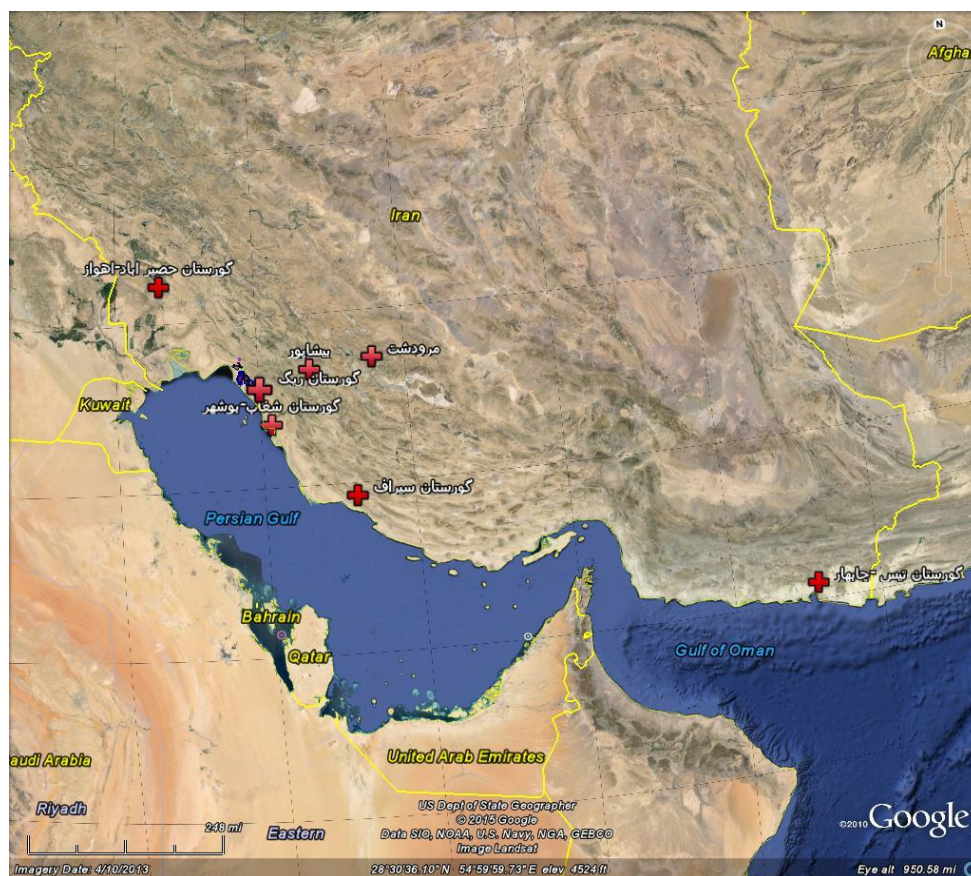
مطالعات باستان‌شناسی در خصوص آیین تدفین مردگان در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که بر اساس مذهب رایج در هر دوره الگوهای متفاوتی در جای‌جای ایران شکل گرفته است. این مطالعات در کنار متون کهن، انواع مختلفی از تدفین را در دوره‌های مختلف تاریخی معرفی نموده است که مهم‌ترین آنها بدین قرار است: گوردخمه‌ها، گورهای چاله‌سنگی یا قبور کنده شده در سنگ، دخمک‌ها یا قبور کم‌عمق برای تدفین‌های موقت، استودان‌ها، تدفین‌های صخره‌ای، تدفین‌های تابوتی و خمره‌های تدفینی و نهایتاً برج‌های خاموشان.

قبور کنده‌شده در سنگ بستر را به‌طور کلی با توجه به عمق آنها و داشتن یا نداشتن سطح مناسب در لبه‌ها برای نصب سنگ‌های بزرگ درپوش، می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: نخست، قبور دائمی یا چاله‌سنگ‌ها که دارای عمق بیشتر و مناسب برای تدفین دائم بوده و اغلب دارای درب هستند. این‌گونه در سواحل خلیج فارس مانند قبرستان سیراف، قبرستان شغاب بوشهر و تعداد بیشتری در بلندی‌های استان فارس مانند کوه مهر (صراف، ۱۳۶۹: ۳۴)، کوه ایوب و سروی در جلگه مرودشت (واندنبگ، ۱۳۷۹: لوح ۶۲) تا بلندی‌های پیرامون بیشاپور (گریشمن، ۱۳۷۹: لوح ۳۴) شناسایی شده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل دائمی بودن این قبور وجود

نوارهایی تراشیده زیر لبه آنهاست که برای قراردادن تخته سنگ پوشش قبور ایجاد می‌شدند. از نظر تاریخ‌گذاری اغلب این قبور متعلق به دوره ساسانی هستند، اگرچه نمونه‌های اندکی نیز از دوره هخامنشی شناسایی شده است (صراف، ۱۳۶۹؛ جعفری، ۱۳۸۸: ۶، ۸ و ۱۸).

دومین نمونه از قبور کنده‌شده در بسترهای سنگی یا دخمک‌ها، استودان‌های موقت هستند که اجساد برای مدت کوتاهی در آن قرار می‌گرفت تا به وسیله پرنده‌گان و جانوران گوشت از استخوان جدا شده و سپس استخوان‌ها از این قبور کم‌عمق به گوردخمه‌ها و استودان‌های دائمی منتقل می‌شد. از این نوع قبور در سواحل خلیج فارس شامل روستای تیس از توابع بندر چابهار، گورستان سیراف، گورستان شغاب بوشهر، قبور بندر ریگ، گورستان حصیرآباد اهواز و ارتفاعات فارس شامل کوه مهر (واندنبیگ، ۱۳۷۹)، کوه حسین، کوه ایوب (پیشین، لوح ۶۲-و)، کوه سروی و تنگ خشک، کوه رحمت (پیشین، لوح ۶۲-ج)، کوه زیدون (پیشین، لوح ۶۲-الف-ب)، کوه زاغه (پیشین، لوح ۶۲-د)، آخور رستم (پیشین، لوح ۶۱-ب-د) و بیشاپور (گریشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۱، لوح ۷ و ۳۷) شناسایی شده است. البته برخی از نمونه‌های فارس دارای کتیبه هستند. استخوان حاصل از این قبور نهایتاً به استودان‌ها، گوردخمه‌ها و یا برج‌های خاموشان منتقل می‌شد و روح در گذشتگان به دنیای پس از مرگ انتقال می‌یافت.

تصاویر



تصویر ۱: پراکندگی قبور دست‌کند در سواحل شمالی خلیج فارس و جنوب فارس (تصویر از گوگل ارث)



تصویر ۲: یک نمونه از معدود قبور سنگی باقی‌مانده در بندر ریگ که به شدت تخریب شده است (تصویر از حسین توفیقیان)



تصویر ۳: دورنمای قبرستان سیراف در دو طرف دره شیلو (تصویر از حسین توفیقیان)



تصویر ۴: نمایی از دره شیلو با قبور کنده‌شده در بستر ماسه‌سنگی و گوردخمه‌های دارای شکل هندسی و منظم در دیواره عمودی آن که احتمالاً متعلق به افراد متمکن جامعه بوده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۵: قبور و گوردخمه‌های کنده‌شده در لایه سست و ناپایدار کنگلومرا که احتمالاً متعلق به اقشار پایین جامعه بوده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۶: بستر سنگی گورستان سیراف در بخش‌های شمالی که برای ایجاد تدفین‌های جدیدتر آماده شده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۷: در نتیجه برش لایه‌های کنگلومرا و ماسه‌سنگ و ایجاد بستر مناسب گورستان، تعدادی ستون سنگی به‌عنوان برج خاموشان باقی مانده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۸: قبور کنده شده در ماسه سنگ شامل بخش فوقانی عریض تر و بخش تحتانی باریک تر و پوشش ایجاد شده به وسیله ملات ساروج (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۹: یک نمونه از قبور سنگی سیراف با برش ایجاد شده در بستر گور برای قراردادن راحت تر سر جسد (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۱۰: پلکان در بستر سنگی قبرستان سیراف جهت سهولت رفت و آمد. در سمت چپ تصویر برش بستر ایجاد یک آرامگاه خانوادگی کرده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۱۱: قبور ایجاد شده در داخل ستون‌های سنگی که مقبره‌ای خانوادگی ایجاد نموده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۱۲: ده‌ها حلقه چاه با مقطع دایره‌ای (احتمالاً متعلق به دوره اسلامی) و الحاقات مورد نیاز آن از جنس بستر ماسه‌سنگی در قبرستان سیراف (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۱۳: یک حلقه چاه دیگر با دیواره محافظ از جنس بستر ماسه‌سنگی قبرستان سیراف (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۱۴: یکی از ده‌ها حلقه چاه کنده‌شده در دامنه‌های ماسه‌سنگی سیراف با مقطع مستطیل و احتمالاً متعلق به دوره ساسانی. در دوره‌های بعدی و با گسترش گورستان برش بستر سنگی باعث تخریب بخش‌هایی از این چاه شده است (تصویر از حسین توفیقیان).



تصویر ۱۵: تدفین‌های خمره‌ای در سفال نوک‌اژدری، گورستان شغاب بوشهر (تصویر از م. رهبر)



تصویر ۱۶: تدفین‌های سنگی در بستر سنگی ساحل در گورستان شغاب بوشهر (تصویر از م. رهبر)



تصویر ۱۷: قبور سنگی کاوش شده در گورستان شغاب بوشهر (تصویر از ع. سرفراز)



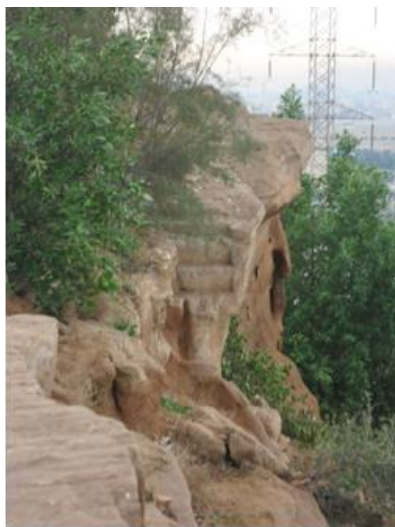
تصویر ۱۸: قبور سنگی گورستان تیس در روستایی به همین نام از توابع چابهار (تصویر از هوشنگی)



تصویر ۱۹: آب‌انبار ساخته‌شده از سنگ و ساروج در کنار قبرستان تیس که نشان‌دهنده ارتباط آب و آیین‌های تدفین در دوره ساسانی است (تصویر از هوشنگی)



تصویر ۲۰: قبرستان حصیرآباد در شهر اهواز و قبور سنگی در بستر ماسه‌سنگی آن (تصویر از چایچی)



تصویر ۲۱: قبور سنگی گورستان حصیرآباد و ترش لبه قبور برای تعبیه درپوش آن (تصویر از چایچی)

تصویر ۲۲: پلکان سنگی قبرستان حصیرآباد شهر اهواز (تصویر از چایچی)

منابع

- بختیاری، حسین (۱۳۵۴)، «کاوش‌های باستان‌شناسی در سیراف»، گزارش چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، مرکز باستان‌شناسی ایران، تهران.
- توفیقیان، حسین (۱۳۹۱)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی زیرآب سواحل سیراف»، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱-۲۰.
- توفیقیان، حسین (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی زیرآب در ایران، تهران، سمیرا.
- توفیقیان، حسین (۱۳۹۳)، بنادر تاریخی خلیج فارس در دوره ساسانی تا اوایل اسلام بر اساس مطالعات باستان‌شناسی و باستان‌شناسی زیرآب، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- توفیقیان، حسین (۱۳۸۸)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی بنادر شمالی خلیج فارس»، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی.
- توفیقیان، حسین (۱۳۹۳)، «تحلیل معماری بندر باستانی سیراف در بخش ساحلی با تکیه بر مطالعات باستان‌شناسی زیرآب»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱.
- ترومپلمن، لئو (۱۳۷۹)، «قبور و آیین تدفین در دوره ساسانی»، باستان‌شناسی و تاریخ، دوره ۸، ش. پیاپی ۱۵، صص ۲۹-۳۷.
- پزار، موریس (۱۳۸۴)، مأموریت در بندر بوشهر، گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی، ترجمه سید ضیاء مصلح، توضیحات و تعلیقات غلامحسین نظامی، بوشهر، شروع.
- جعفری، محمدجواد، «گورستان‌های کوه رحمت»، مجموعه مقالاتی به یادبود علیرضا شاپور شهبازی، به کوشش کامیار عبدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی و بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، منتشر نشده.
- جعفری، سید محی‌الدین و دیگران (۱۳۸۴)، «زمین‌شناسی خلیج فارس در ناحیه ساحلی سیراف»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف، ج دوم، آبان، بوشهر.
- جعفری، سید محی‌الدین (۱۳۹۳)، «سیراف، دانش مهندسی سازه‌های آبی» با مقدمه‌ای از سید محمد بهشتی، تهران، پیام.
- چایچی، احمد (۱۳۹۲)، «گزارش بازدید از هرمز اردشیر»، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- راستی‌دوست، مصطفی (۱۳۸۷)، «بازسازی تسونامی قرن چهارم هجری در سیراف»، همایش ایران‌شناسی، تهران.
- رجبی، نوروز، «نویافته‌های باستان‌شناسی از اهواز، گورستان حصیرآباد و طرح چند پرسش»، باستان‌پژوهی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۹۲، صص ۸۲-۸۸.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۳)، «آرامگاه‌های الیمایی گلالک شوشتر»، ویژه‌نامه نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صص ۱۲-۱۴.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۷)، «گزارش منتشر نشده کاوش قبرستان شغاب»، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور.

- سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، «گزارش کاوش گورستان شغاب»، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور، منتشرنشده.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۳۷)، *جغرافیایی تاریخی سیراف*، تهران، انجمن آثار ملی ایران، زیبا.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۶۹)، «بررسی و کاوش قبور کوه رحمت»، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشرنشده).
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)، *بیشاپور*، ترجمه اصغر کریمی، ج یکم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مانی، مانیا (۱۳۸۱)، «بررسی الگوی لرزه‌خیزی و پیش‌بینی بلندمدت لرزه در زاگرس»، مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، گزارش علمی، شماره ۷۷، بی‌تا.
- مظفری، پرویز (بی‌تا)، «زمین‌لرزه‌های ایران از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۲ میلادی»، مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، گزارش علمی، شماره ۷۷.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۳)، *سیراف (بندر طاهری)*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مقدسی، ابوعبدالله، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن‌التقسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
- میرفتاح، اصغر (۱۳۶۷)، «گورستان شغاب»، اثر، سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۲۴، صص ۴۱-۶۱.
- _____ (۱۳۶۶)، «گزارش بررسی گورستان شغاب»، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور، منتشرنشده.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۷۹)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران.
- وایت هاوس، دیوید و آندره ویلیامسون (بی‌تا)، «بازرگانی دریایی ساسانی»، ترجمه گیو آقاسی، تهران، آریا.
- ویلسون، آرنولد (۱۳۸۴)، *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
- ویلیامسون، اندریو (۱۳۵۱)، «تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و در قرون اول و دوم هجری»، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۴۲-۱۵۱.
- وثوقی محمدباقر (۱۳۸۴)، *تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار*، تهران، سمت.
- Carter, R., Challis, K., Priestman, S.M.N., and Tofighian, H., 2004. The Bushehr hinterland results of the first season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province, *Iran*, XLIV.
- Ghirshman, R., 1971. Bichapour I, Fouilles de Chapour Musée du Louvre Departement des Antiquités Orientales Série Archéologique Pl. VII, 2.
- Gropp, G., 1969. Die inschriften von Tange Choshk bei Sivand, in: W.Hinz.
- Kleiss, W., 1979. Beobachtungen in der umgebung von Persepolis und Naqs-I Rostam, *AMI*, N.F.9, 137, Abb 7.
- Khakzad, S., 2012. Siraf archaeological report, *Sasanika Archaeology* 5:12.
- Lamberk, K., 1996. Shoreline reconstruction for the Persian Gulf since the Late Glacial Maximum, *Earth and Planetary Science Letters* 142: 34 – 42.
- Mason, R.B., and Keal, E.J., 1991. The Abbasid glazed wares of Siraf and Basra connection: petrographic analysis, *Iran* 29: 43.
- Nissen, H.J., 1986. The occurrence of Dilmun in the oldest text of Mesopotamia, Bahrain through ages, in: H.A., Al Khalifeh and M. R., Kegan (eds.), *the Archaeology*, Paule International Ltd. pp. 41 – 52.
- Pates, D., 1983. Dilmun: where and when? *Dilmun*,
- Stronach, D., 1966. The Kuh-I Sharak fire altar, *JNES* 25/4, Pl XXIV.
- Whitehouse, D., 1968. Excavations at Siraf, first interim report, *Iran* VI: 1-23.
- Whitehouse, D., 1969. Excavations at Siraf, second interim report, *Iran* VII: 39-63.
- Whitehouse, D., 1970. Excavations at Siraf, third interim report, *Iran*, IIX.
- Whitehouse, D., 1971. Excavations at Siraf, fourth interim report, *Iran*, IX: 1-19.
- Whitehouse, D., 1972. Excavations at Siraf, fifth interim report, *Iran* X: 63-89.
- Whitehouse, D., 1974. Excavations at Siraf sixth interim report, *Iran* XII: 1-31.
- Whithcomb, D.S., 1987. Bushire and the Angali canal, *Mesopotamia* 22: 35
- Vanden Bergh L. 1953. *Bior* 10, Pl V,7.